

نگاهی به جایگاه علمی علی بن ابراهیم قمی (۲۳۰-۳۱۰ق) و دوران و آثار او

آیه‌الله جعفر سبحانی*

چکیده

در این نوشتار ابتدا از مدارس حدیثی عصر علی بن ابراهیم قمی سخن به میان آمده و سپس به معرفی اساتید، شاگردان و طبقه او پرداخته شده و به دنبال آن، تفسیر القمی معرفی شده و گفته شده که تمامی این کتاب، از علی بن ابراهیم نبوده و نیمی از آن را یکی از شاگردش تدوین کرده است و با شواهدی به اثبات آن پرداخته شده و از تفه بودن راویان احادیث آن تفسیر سخن به میان آمده است.

کلید واژه‌ها: تفسیر القمی، علی بن ابراهیم، اساتید، شاگردان.

درآمد

علم حدیث در دو قرن دوم و سوم هجری، در نتیجه تلاش‌های فراوان حافظان و راویان حدیث - که در راه فراگیری، تدوین، ضبط و پیرایش آن سختی‌ها را بر خود هموار کردند و پرچم آن را برافراشته داشتند - درخشش شگفتی یافت. آنان در این عصر آثار ارزشمندی از خود به یادگار نهادند که چراغ راه گروه‌های واپسین شد و علی بن ابراهیم قمی یکی از ایشان است. بهتر است، قبل از سخن گفتن درباره شخصیت علی بن ابراهیم قمی، نکاتی به عنوان مقدمه طرح شود.

شیعیان در آن عصر مراکز مهم حدیثی چندی داشتند که عبارت بودند از:

۱. عراق، بویژه کوفه؛ در آن حوزه حدیثی صدها محدث به سر می‌بردند که حدیث را از پیامبر ﷺ و وصی او و سایر ائمه علیهم‌السلام بعد از ایشان فرا گرفته و آن را از عصری به عصر دیگر منتقل می‌ساختند.
- شاهد این مدعا، گفتار حسن بن علی بن زیاد و شاء (از اصحاب امام رضا علیه‌السلام) خطاب به احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است:

من در این مسجد (مسجد کوفه) نهصد شیخ را مشاهده کردم که همگی آنها می‌گفتند: جعفر بن محمد علیهم‌السلام به من فرمود^۱

* از مراجع تقلید و استاد و محقق حوزه علمیه قم.

۲. سرزمین ماوراءالنهر، بویژه سمرقند، کش، خوارزم و سرزمین‌های پیرامون آن؛ محدثان شیعه در آنجا سرزندگی قابل توجهی داشتند که نشان از بالندگی حرکت علمی در آنجا داشت؛ بویژه در دوره ابی‌نضر عیاشی که به حق، محور این حرکت علمی به شمار می‌رود. نجاشی در این باره گفته است:

ابونضر، در راه علم و حدیث، ارنیه پدرياش را - که سیصد هزار دینار بود - صرف کرد و خانه‌اش، همانند مسجد، آکنده از مردم نسخه بردار، مقابله‌گر، دانش‌پژوه یا تعلیقه‌نگار بود.^۱

نیز همو در ترجمه ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله قزوینی قاضی گفته است:

او در سال سیصد و پنجاه و شش وارد بغداد شد و قطعه‌ای از کتاب‌های نجاشی را به همراه داشت. او نخستین کسی است که آنها را به بغداد آورد و آن را از ابی‌جعفر احمد بن عیسی علوی زاهد از عیاشی روایت کرد.^۲

۳. قم و ری؛ این دو شهر مرکز حدیث اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌رفتند و محدثان در این دیار مدرسه‌ای خاص داشتند که با مدرسه محدثان کوفه در شرایط پذیرش حدیث و رد آن متفاوت بود.

علی بن ابراهیم قمی

در آن عصر، توجه دانشمندان به حدیث به درجه‌ای رسید که آنها از خانواده خود جدا می‌شدند و برای فراگیری یا نشر حدیث از جایی به جای دیگر می‌رفتند. یکی از کسانی که چنین توجهی به حدیث داشت، ابراهیم بن هاشم بود که برای فراگیری حدیث در شهر کوفه تلاش کرد و از مدرسه حدیثی کوفه فارغ‌التحصیل شد و سپس به قم مهاجرت کرد. او نخستین کسی است که حدیث کوفیان را در شهر قم نشر داد.^۳

این سرمایه حدیثی به پسرش، ابوالحسن علی بن ابراهیم - که جایگاهی والا در دنیای علم و حدیث یافته بود - منتقل شد. در اینجا به سخنان علمای رجال درباره وی اشاره می‌شود:

۱. نجاشی گفته است:

در حدیث ثقه است، او ثبت، مورد اعتماد و صحیح المذهب است. حدیث شنید و به نشر آن اهتمام ورزید و کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورد و در میانه عمرش نابینا شد.^۴

۲. شیخ طوسی گفته است:

او کتاب‌هایی دارد (سپس نام کتاب‌ها را برشمرده است).

۱. رجال النجاشی، ش ۷۹.

۲. همان، ش ۹۴۵.

۳. همان، ش ۶۹۱.

۴. ر.ک: همان، ش ۱۱۷؛ فهرست الطوسی، ش ۶.

۵. رجال النجاشی، ش ۶۷۸.

و گفت:

این مطلب را شیخ مفید، به نقل از محمد بن علی بن حسین بابویه (صدوق)، از پدرش و محمد بن حسن (ابن ولید) و حمزه بن محمد علوی و محمد بن علی ماجیلویه، از علی بن ابراهیم، به ما گفته است.^۶

۳. ابن اسحاق ندیم او را در میان فقها، محدثان و علمای شیعه برشمرده است؛ آنجا که گفته است: علی بن هاشم؛ و او علی بن ابراهیم بن هاشم از عالمان و فقیهان است و کتاب‌هایی دارد؛ از جمله کتاب المناقب، کتاب اختیار القرآن، کتاب قرب الامتداد.^۷

۴. ذهبی گفته است:

علی بن ابراهیم، ابوالحسن محمری، رافضی سرسختی است.

سپس گفته است:

او تفسیری دارد و از ابن ابی‌داوود، ابن عقده و جماعتی روایت می‌کند.^۸

گفتنی است که در سخن ذهبی اشکالی به چشم می‌خورد؛ و آن این که طبقه علی بن ابراهیم بالاتر از ابن‌عقده (م ۳۲۳ق) است و از علی بن ابراهیم روایتی به نقل از ابن‌عقده نیافتیم. شاید ذهبی روایات ابن‌عقده را در تفسیر او یافته و گمان برده که علی بن ابراهیم آن را از ابن‌عقده روایت کرده است؛ درست، آن است که راوی از ابن‌عقده، عباس بن محمد شاگرد علی بن ابراهیم است. اما روایت او از ابن ابی‌داوود عبدالله بن سلیمان بن اشعث (۲۳۰ - ۳۱۶ق)؛^۹ که از هم عصران وی به شمار می‌رود، بعید به نظر نمی‌رسد؛ هر چند ما به روایتی از او دست نیافتیم.

۵. ابن‌حجر عسقلانی، پس از یاد کرد عبارت ذهبی، به عنوان مقدمه، گفته است:

او علی بن ابراهیم بن هاشم قمی است. ابوجعفر طوسی در مصنفی الامامیه از او یاد کرده و محمد بن اسحاق ندیم در الفهرست نام او را آورده و گفته است: او کتاب‌هایی چون التفسیر، الناسخ و المنسوخ، المغازی و الشرایع دارد.^{۱۰}

اساتید علی بن ابراهیم

او، به سبب گستردگی روایات، برتر از دیگران است و نامش در اسناد روایات بسیاری به چشم می‌خورد که شمار آنها به ۷۱۴۰ روایت می‌رسد.^{۱۱} بی‌شک، این مقام رفیع مرهون اساتیدی است که نامشان زین پس می‌آید:

۶ الفهرست، ش ۳۸۰.

۷ الفهرست (ابن ندیم)، ص ۳۲۵.

۸ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۱۱، ش ۵۷۶۶.

۹ همان، ج ۲، ص ۴۳۳، ش ۴۳۶۸.

۱۰ لسان‌المیزان، ج ۴، ص ۱۹۱، ش ۵۰۶.

۱. پدرش ابراهیم بن هاشم؛ نام او در سرآغاز فهرست اساتید علی بن ابراهیم می‌آید؛ چه علی بن ابراهیم از علم پدر بهره فراوانی برد و روایات بسیاری را از او فرا گرفت. روایات علی بن ابراهیم از پدرش - که شمار آنها به ۶۲۱۴ روایت می‌رسد - از این بهره‌وری گسترده پرده برمی‌دارد.

۲. محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین، از اصحاب امام جواد علیه السلام؛ نجاشی در وصف او گفته است:

او در میان اصحاب ما جلیل‌القدر، ثقه، بزرگوار و کثیر الروایت است و نوشته‌هایش نیکوست.^{۱۱}

روایات علی بن ابراهیم از او به ۵۶۸ مورد می‌رسد.

۳. هارون بن مسلم بن سعدان کاتب سرمزایی؛ او در اصل از اهالی شهر اتبار است. نجاشی درباره او گفته است:

او ثقه و صاحب منزلت است و امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را ملاقات کرده و کتبی چون التوحید و الفضائل و... دارد.^{۱۲}

روایات علی بن ابراهیم از او به ۸۳ مورد می‌رسد.

۴. صالح بن سندی؛ روایات او از صالح بن سندی به ۶۳ مورد می‌رسد.

۵. احمد بن محمد بن خالد برقی، مؤلف المحاسن؛ او در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق، وفات یافت. شیخ طوسی او را از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام برشمرده است.

علی بن ابراهیم قمی اساتید دیگری نیز دارد که از ایشان روایت کرده است؛ از جمله:

۶. مختار بن محمد بن مختار همدانی؛ روایات علی بن ابراهیم از او به شانزده مورد می‌رسد.

۷. برادرش اسحاق بن ابراهیم بن هاشم قمی؛ او از امام جواد علیه السلام روایت کرده؛ چنان که از محمد بن اسماعیل بن بزیع روایت شده است.

۸. اسماعیل بن محمد مکی؛

۹. حسن بن موسی خشاب؛ که عصر امام حسن عسکری علیه السلام را درک کرده است. نجاشی درباره او گفته است:

او منزلتی بلند در میان اصحاب دارد؛ مشهور است و به فراوانی علم و حدیث شناخته می‌شود.^{۱۵}

۱۰. ریان بن صلت اشعری قمی؛ نجاشی درباره او گفته است:

از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. او ثقه و صدوق است.^{۱۶}

۱۱. سلمة بن خطاب؛ نجاشی در وصف او گفته است:

۱۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۱۹۳، ش ۷۸۱۶.

۱۲. رجال النجاشی، ش ۸۹۷.

۱۳. همان، ش ۱۱۸۱.

۱۴. رجال الطوسی، ش ۵ (اصحاب العسکری علیه السلام) و ش ۳ (من لم یرو عنهم علیهم السلام).

۱۵. رجال النجاشی، ش ۸۴.

۱۶. همان، ش ۴۳۵.

احادیث او دارای ضعف محتوایی است. او کتاب‌هایی چند به رشته تحریر درآورده است.

۱۲. عباس بن معروف، ابوالفضل قمی؛ شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام ذکر کرده^{۱۷} و نجاشی گفته است:

او ثقه است و کتاب *الأدب* از اوست.^{۱۸}

۱۳. عبدالله بن صلت، ابوطالب قمی؛ نجاشی گفته است:

ثقه است و روایاتش مورد اطمینان؛ از امام رضا علیه السلام روایت کرده است؛ از او کتاب التفسیر شناخته شده است.^{۱۹}

عبدالله آن‌قدر زنده ماند تا محمد بن حسن صفار (م ۳۹۰ق) او را ملاقات کرد و از او روایت کرد.

۱۴. محمد بن خالد بن عمر طیالسی تمیمی؛ نجاشی گفته است:

او در سال ۲۵۹ق، در حالی که ۹۷ ساله بود، زندگی را بدورد گفت.^{۲۰}

۱۵. یعقوب بن یزید بن حماد سلمی انباری؛ او از دیوانیان منتصر بود. نجاشی گفته است:

از امام جواد علیه السلام روایت کرده است و ثقه و بسیار راستگوست.^{۲۱}

شاگردان علی بن ابراهیم

گروهی از وی روایت کرده‌اند که برخی از ایشان اشاره می‌کنیم:

۱. احمد بن زیاد بن جعفر همدانی؛ صدوق در *کمال‌الدین* درباره او گفته است:

او مردی ثقه، دیندار و فاضل بود؛ رحمت و رضوان خدای بر او باد.

وی از مشایخ صدوق بوده و صدوق در برخی جاهای *المشیخة* عبارت «رضی الله عنه» را درباره وی

به کار برده است و در کتاب *الأمالی* از او با کنیه ابوعلی یاد کرده و هفتاد روایت از او در کتاب *وسائل*

الشیعة نقل شده است.

۲. حسن بن حمزه علوی؛ نجاشی گفته است:

ابو محمد طبری، معروف به مرعشی، از بزرگان و فقهای امامیه است و کتاب‌هایی نگاشته

است؛ در سال ۳۵۶ق، به بغداد قدم نهاد و شیوخ ما با او ملاقات کردند و در سال ۳۵۸ق، به

سرای باقی شتافت.^{۲۲}

۱۷. رجال الطوسی، ش ۳۴.

۱۸. رجال النجاشی، ش ۷۴۱.

۱۹. همان، ش ۵۶۲.

۲۰. همان، ش ۹۱۱.

۲۱. همان، ش ۱۲۱۶.

۲۲. همان، ش ۱۴۸.

شیخ طوسی نیز درباره او گفته است:

علوی طبری، فاضل، ادیب، عارف، فقیه، زاهد و پرهیزگار بود و از نیکی‌های بسیار برخوردار؛ تألیفات و تصنیفات بسیاری از خود به یادگار نهاد.^{۳۳}

شیخ مفید در کتاب *الامالی* خود از او با اوصافی چون شریف زاهد و شریف صالح یاد کرده است و او از مشایخ صدوق است که از او با دعای «رضی الله عنه» در کتاب *معانی الاخبار* یاد کرده است.

۳. محمد بن موسی بن متوکل؛ شیخ طوسی در «من لم یرو عنهم» (کسانی که از معصومان علیهم‌السلام روایت نکرده‌اند) از او نام برده و گفته است:

او از عبدالله بن جعفر حمیری روایت کرده و ابن بابویه از او روایت کرده است.^{۳۴}

شیخ صدوق بسیار از او روایت کرده و از وی در طریش به کتاب‌های متقدم در ۴۸ مورد نام برده است؛ به نظر می‌رسد که صدوق به او اعتماد داشته است. سید بن طاووس در کتاب *فلاح السائل و ثاقت* او را مورد اتفاق دانسته و علامه حلی و ابن داوود در قسم اول از او یاد کرده‌اند.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ نجاشی درباره او گفته است:

ابو جعفر کلینی... شیخ اصحاب ما و بزرگ ایشان در عصر خود در ری بوده و از موثق‌ترین مردمان و ثابت قدم‌ترین آنها در حدیث است. او کتاب معروف خود به نام *الکافی* را مدت بیست سال نگاشت... در سال ۳۲۹ق، در بغداد دارفانی را وداع گفت.^{۳۵}

شیخ طوسی در *الفهرست* گفته است:

ثقه است و آشنای با احادیث؛ از او کتاب‌هایی بر جای مانده است.

۵. ابوالفضل، عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند موسی الکاظم علیه‌السلام.

طبقه علی بن ابراهیم در رجال

برای آن که طبقه او را مشخص سازیم، ابتدا باید به مطالبی اشاره شود که بر اساس آنها بتوان با عصری که در آن علی بن ابراهیم می‌زیسته، آشنا شد؛ از آن جمله:

۱. از یادکرد مشایخ او درمی‌یابیم که اکثر روایات علی بن ابراهیم از شاگردان امام جواد علیه‌السلام (م ۲۲۰ق)، امام هادی علیه‌السلام (م ۲۵۴ق) و امام عسکری علیه‌السلام (م ۲۶۰ق) است و نیز از باقی‌مانده شاگردان بازمانده امام رضا علیه‌السلام - که تا سال‌های زیادی پس از آن حضرت زنده بودند - روایت کرده است؛ مانند عبدالله بن صلت.
۲. او از محدثان قمی - که در زمان حیات امام جواد علیه‌السلام و یا اندکی پس از آن، درگذشته‌اند، مانند زکریا بن آدم اشعری، عبدالعزیز بن مهتدی اشعری، محمد بن عیسی بن عبدالله اشعری و محمد بن خالد برقی - روایت نکرده است.

۳۳. *الفهرست*، ش ۱۹۵.

۳۴. *رجال الطوسی*، ش ۳.

۳۵. *رجال النجاشی*، ش ۱۰۲۷.

۳. قدیمی‌ترین کسی که علی بن ابراهیم از او روایت کرده، از کسانی که تاریخ وفاتشان ثبت شده، محمد بن خالد طرابلسی است که در سال ۲۵۹ق، وفات یافت.

از آنچه گفته شد، برمی‌آید که تاریخ تولد علی بن ابراهیم باید حدود سال ۲۳۰ق، یا اندکی پس از آن باشد؛ البته به نظر می‌رسد که این تاریخ نباید از سال ۲۴۰ق، بیشتر باشد.

تاریخ وفات او نیز معلوم نیست، اما در سال ۳۰۷ق، زنده بوده است. شیخ صدوق از حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر روایت کرده که گفته است:

علی بن ابراهیم بن هاشم در سال ۳۰۷ق، خبر داد به ما...^{۲۶}

به نظر می‌رسد که علی بن ابراهیم اندکی پس از این تاریخ وفات یافته است.

درنگی در تفسیر مشهور به تفسیر القمی

کتاب *تفسیر القمی* - که امروزه بدین نام مشهور است - از دو بخش اصلی پیوسته به هم شکل یافته است:

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی - که اکنون از او سخن می‌گوییم - و روایات و اخباری که بخش اعظم آنها را از پدرش روایت کرده است.

این تفسیر را شاگردش ابوالفضل، عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه بن امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است.

۲. روایات شاگردش عباس (که پیش‌تر از او یاد شد) که بیشتر آنها را از احمد بن محمد بن سعید همدانی، معروف به ابن عقده (م ۳۳۳ق) به سندش از ابو جارود، زیاد بن منذر، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است.

از این عباس در کتاب‌های انساب یاد شده، ولی در کتاب‌های رجال ذکری از او به میان نرفته است. یادآور می‌شود که شیخ طوسی جد او، محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی علوی علیه السلام را از اصحاب امام

هادی علیه السلام به شمار آورده است.^{۲۷}

خلاصه آنچه گذشت، آن است که این تفسیر از دو تفسیر اصلی شکل یافته است: تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر ابو جارود. هر کدام از این دو تفسیر سندی مخصوص به خود دارد که هر کس به این

تفسیر رجوع کند، از آن آگاه می‌شود.

علاوه بر این، عباس علوی (شاگرد قمی) در روایتش به این عقده اکتفا نکرده، بلکه از مشایخ دیگری نیز روایت کرده است؛ از آن جمله:

۱. محمد بن جعفر رزاز؛ راوی تفسیر (ابوالفضل، عباس بن محمد) می‌گوید:

حدثنا محمد بن جعفر الرزاز، عن يحيى بن زكريا، عن علي بن حسان، عن عبدالرحمن بن كثير،

عن ابي عبدالله عليه السلام في قوله تعالى: ﴿مَّا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ﴾^{۲۸، ۲۹}

۲۶. *عيون اخبار الرضا* عليه السلام ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۴۳.

۲۷. *رجال الطوسي*، ص ۴۴۴، ش ۴۱.

۲. ابو عبدالله، حسین بن محمد بن عامر اشعری؛ راوی تفسیر گوید:

اخیرنا الحسین بن محمد بن عامر، عن المعلى بن محمد البصرى، عن ابن ابی عمیر، عن ابی جعفر
الثانی رضی الله عنه فی تفسیر قوله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آذِنُوا بِالْعُقُودِ﴾^{۲۰، ۲۱}

۳. ابو علی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل بغدادی کاتب (م ۳۳۶ق): راوی تفسیر گوید:

حدثنا محمد بن همام، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالك، قال: حدثنا القاسم بن الربيع، عن
محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن منخل، عن جابر، عن ابی جعفر رضی الله عنه فی قوله تعالى:
﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾^{۲۲، ۲۳}

شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود اسامی گروهی دیگر از کسانی را که جامع تفسیر از ایشان روایت کرده، آورده است. در اینجا به نام برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ابوالحسن علی بن حسین سعدآبادی قمی، روایت کننده از احمد بن ابوعبدالله برقی،
۲. شیخ ابوعلی احمد بن ادریس بن احمد اشعری قمی (م ۳۰۶ق)،
۳. شیخ ابوعبدالله محمد بن احمد بن ثابت، روایت کننده از حسن بن محمد بن سماعه (م ۲۶۳ق)،
۴. ابو جعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری قمی، روایت کننده کتاب *قرب الاستاد* از پدرش،
۵. محمد بن ابوعبدالله، ابوالحسین محمد بن عون اسدی (م ۳۱۲ق)، از مشایخ کلینی،
۶. حُمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰ق)، از مشایخ کلینی،
۷. حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی،
۸. ابوالقاسم حسنی، روایت گر *تفسیر الفرات* از مؤلف آن فرات و علی بن ابراهیم هم عصر بودند،

و...

گفتنی است که در میان روایات علی بن ابراهیم - که در کتاب *الکافی* و کتاب‌های دیگر نقل شده - روایتی به نقل از افراد یاد شده به چشم نمی‌خورد.^{۲۴} این نکته دلیلی بر این ادعاست که راوی تفسیر از این مشایخ، بدون واسطه علی بن ابراهیم، روایت کرده است.

توثیق کسانی که در اسناد تفسیر واقع شده‌اند

برخی از عالمان رجال، بر اساس آنچه در ابتدای *تفسیر القمی* آمده، تمامی کسانی را که در اسناد روایات منتهی به معصومان رضی الله عنهم این تفسیر واقع شده‌اند، توثیق کرده‌اند. در مقدمه کتاب آمده است:

۲۸. سوره حدید، آیه ۲۲.
۲۹. *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۳۳۱.
۳۰. سوره مائده، آیه ۱.
۳۱. *تفسیر القمی*، ج ۱، ص ۱۶۸.
۳۲. سوره نور، آیه ۳۶.
۳۳. *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۷۹.
۳۴. رک: *الذریعة*، ج ۴، ص ۳۰۲-۳۰۷.

ونحن ذاکرون و مخبرون بها ینتهی الینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم و
أوجب ولایتهم و لا یقبل عمل إلا بهم.^{۳۵}

صاحب الوسائل الشیعة گفته است:

همچنین، علی بن ابراهیم به ثبوت احادیث تفسیرش شهادت داده و آنها به وسیله ثقات از
ائمه علیهم السلام روایت شده است.^{۳۶}

نیز آیه الله خوبی گفته است:

مقصود علی بن ابراهیم از آنچه بیان داشته، اثبات صحت تفسیر خود بوده و این که روایاتش
ثابت و صادر از معصومان علیهم السلام است و به وسیله مشایخ و ثقات شیعه به او منتهی شده است.
بنابراین، دلیلی ندارد که توثیق وی را فقط شامل کسانی بدانیم که علی بن ابراهیم، بدون
واسطه، از ایشان روایت کرده است.^{۳۷}

گفتنی است، آنچه از این دو بزرگوار نقل کردیم، با تمام احترامی که برای نظریاتشان قایل هستیم، از
عدم مطالعه درست کتاب از سوی ایشان ناشی شده است و ایشان تنها به آنچه در مقدمه کتاب آمده
اکتفا کرده اند. پیش تر گفته شد که این تفسیر ترکیبی است از آنچه جامع آن از علی بن ابراهیم، از
مشایخش روایت کرده و نیز روایاتی که جامع تفسیر از مشایخ خود نقل کرده است که سند آنها به زیاد
بن ابی جارود می رسد.

در بخش دوم تفسیر روایاتی وجود دارد که راوی تفسیر، آنها را با سندهای متصل به امام علیه السلام از دیگر
مشایخش - که نامشان را یادآور شدیم - نقل کرده است. بنابراین، چگونه می توان این تفسیر را یکی از
نوشته های علی بن ابراهیم برشمرد و حکمی که در مقدمه کتاب وارد شده، بر آن جاری ساخت.
به علاوه، نمی توان گفت که مراد قمی از عبارت «رواه مشایخنا و ثقاتنا» تمامی کسانی را که در سند
روایات تفسیر تا به امام منتهی شود، شامل می گردد؛ بلکه به نظر می رسد منظور او فقط مشایخ بی واسطه
اوست و عطف «و ثقاتنا» بر «مشایخنا» بر مشایخ بلا واسطه دلالت دارد.

و از آنجا که نقل بلا واسطه از ضعیف از وجوه ضعف راوی شمرده می شود، ولی نقل از ثقه ای که از
غیر ثقه نقل می کند، چنان اثری ندارد، علی بن ابراهیم به وثاقت مشایخش اشاره کرده تا خود را
در معرض نقد و اعتراض قرار ندهد؛ و گرنه، در اسناد قمی کسانی واقع شده اند که اعتمادی بر
آنان نیست.

حق این است که تفسیر القمی اهمیت خاصی در میان کتاب های تفسیر دارد. افزون بر جایگاه رفیع
مؤلف در علم، فضل و اتقان و نزدیکی عصر او به عصر ائمه معصوم علیهم السلام، بویژه درک عصر امام هادی علیه السلام
و امام عسکری علیه السلام اگرچه از ایشان روایتی نقل نکرده، تفسیر او از امتیازات متعددی برخوردار است که
مهم ترین آنها بدین شرح است:

۳۵. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴.

۳۶. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۶۸، فایده ششم.

۳۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۴۹، مقدمه سوم.

۱. این کتاب آکنده از روایات وارد شده از معصومان علیهم السلام بویژه امام صادق علیه السلام است؛
 ۲. نویسنده مفردات قرآنی را به صورت واضح و وافی شرح کرده است و این معانی با نگاه به تمامی
 قرآن به دست می‌آید؛ مثلاً در شرح معنی هدایت می‌گوید:

الهدایة فی کتاب الله علی وجوه اربعة...^{۳۸}

و برای معنی ایمان می‌گوید:

الایمان فی کتاب الله علی اربعة اوجه...^{۳۹}

نیز ظن را این‌گونه معنی می‌کند:

الظن فی کتاب الله علی وجهین...^{۴۰}

همچنین در معنی الحسنه و السیئة می‌گوید:

الحسنات فی کتاب الله علی وجهین، و السیئات علی وجهین...^{۴۱}

و...

۳. اسلوب استدلال را در تفسیر خود برای آیات در موارد عدیده‌ای رعایت کرده است؛ گاهی برای
 تفسیر به آیه‌ای دیگر استناد می‌کند و گاهی به روایتی از معصومان علیهم السلام؛
 ۴. در موارد بسیاری به اسباب نزول اشاره کرده و مستند آن، در این‌گونه موارد، برخی از روایات است.
 همچنین، گاهی برخی از پیشامدهای تاریخی مربوط به شأن نزول را با هدف تبیین معنای آیه‌ای که در
 صدد تفسیر آن بوده، بیان داشته است.

به خاطر این مزایا و امتیازات دیگر کتاب، جداسازی تفسیر القمی از روایات شاگردش ابوالفضل
 عباس علوی ضروری به نظر می‌رسد تا این تفسیر بیشتر جلوه کند و ارزش حقیقی آن به شکل روشن
 نمایان شود.

کتابنامه

- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی (۳۰۷ق)، به کوشش: السید الطیب الموسوی الجزائری، مطبعة
 النجف الأشرف.

- الذریعة إلی تصانیف الشیعة، محمد محسن بن عی المنزوی (آقا بزرگ الطهرانی) (۱۳۴۸ق) بیروت:
 دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.

۳۸. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴۳ - ۴۴.

۳۹. همان.

۴۰. همان، ج ۱، ص ۵۷.

۴۱. همان، ج ۱، ص ۱۵۲.

- رجال الطوسی، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۵ق.
- رجال النجاشی (فهرس أسماء مصنفی الشيعة)، أحمد بن علی النجاشی (م ۴۵۰ق)، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۸ق.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاحوردی، تهران: منشورات جهان.
- الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- الفهرست، محمد بن اسحاق (ابن الندییم، م ۳۸۰ق)، ترجمه و تحقیق: محمدرضا تجدد، سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.
- لسان المیزان، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر، م ۸۵۲ق)، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۶ق.
- معجم رجال الحديث، السید أبوالقاسم الموسوی الخوئی (م ۱۴۱۳ق)، قم: منشورات مدينة العلم، ۱۴۰۳ق.
- میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن أحمد الذهبی (م ۷۴۸ق)، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالفکر.
- وسائل الشيعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملی (م ۱۱۰۴ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی